



تاریخ: ۲۰۱۳/۱۰/۱۵

نویسنده: دکتر غلام انصاری

پنج قدم در جهت تغییر و تکامل توسط شعور آگاه

۱. پذیرفتن مسؤلیت در خلقت وضع موجود فردی و اجتماعی.
۲. پذیرفتن وضعیت موجود در تمام ابعادش.
۳. پس گرفتن احکام صادره، پیش داوری ها و قضاوت ها در مورد خود و دیگران. برعکس عفو کردن.
۴. بلی گفتن و پذیرفتن احساس ها و ناراحتی های روحی، عقلی، جسمی، عصبی، اجتماعی و فامیلی.
۵. اتخاذ تصمیم جدید.

برای اینکه هموطنان عزیز فرصت عمق اندیشی بیشتر را داشته باشند پنج قدم فوق را طی پنج مقاله خدمت شما به نشر می سپارم.

در مقاله ای که تحت عنوان "حاکمیت ماتحت شعور و محتوای منفی مانع بزرگ در راه پیشرفت شخصی و اجتماعی" به تاریخ ۲۰۱۳/۰۳/۲۴ خدمت خوانندگان عزیز به نشر رسید، به هموطنان وعده نمودم که بحث روی این موضوع مهم و حیاتی را ادامه خواهم داد. از زمان نشر مقاله اولی تا این دم نسبتاً زمان زیادی سپری شد که از این رهگذر از شما پوزش می خواهم. البته در آینده تلاش می نمایم موضوعات را در این پیوند در فاصله زمانی لازم و کوتاه در خدمت شما بگذارم.

۱: پذیرفتن مسؤلیت در خلقت وضع موجود فردی و اجتماعی.

تغییر در شکل و محتوای زندگی در تمام ابعاد جسمی، عقلی، روحی، عصبی، مناسبات اجتماعی مالی، مشکلات زندگی و به خصوص حاکمیت ماتحت شعور با محتوای منفی اش کار ساده نبوده بلکه درک عمیق طرق و وسائل تغییر را در سطح تیوریک در پرتو جهان بینی قرن ۲۱ یعنی هولیزم (Holismus^۱) به منظور پیاده نمودن آن در عمل، می طلبد.

زندگی در تمام اشکال و محتوای مادی، معنوی و زره ای اش (Quanten^۲) توسط شعور آگاه با ظرفیت و عمل کرد ۵% و ماتحت شعور با ظرفیت و عمل کرد ۹۵% که ۷۰% محتوای منفی دارد، رهبری میگردد^۳. مسؤلیت این رهبری و خلاقیت و حالات موجود زندگی ناشی از آن، بدوش خود فرد می باشد.

گرفتن مسؤلیت فوق در ساختار زندگی در تمام ابعادش معنی اش این نیست که خود را گناه کار احساس نمائید و فکر کنید که شما لوده بوده و یا استنید، بی عقل بوده و یا استنید که زندگی خود را اینطور و یا آنطور ساخته و عامل تمام حالات مریضی جسمی، روحی، نا راحتی های زندگی اجتماعی، مالی و غیره خود را به حساب بیاورید. بلکه باید بگوئید که: "من خودم را برای پذیرش این فکر باز می نمایم، تا هر حالت که در زندگی ام دارم توسط خودم خلق شده است"، طبعاً اکثراً به صورت ناخود آگاه. زیرا به صورت آگاه انسان تولید کمبودی، مرض، قهر و غضب و جنگ و جدال با مردم اطراف خود، یا اذیت و آزار را خلق نمی نمائیم.

چرا این نوع تفکر بسیار پر قدرت است؟ زیرا گرفتن مسؤلیت خلاقیت شما را به قدرت رسانده و تغییر حالت انرژی منفی را در جهت انرژی مثبت ممکن می سازد. تا زمانیکه به تفکر و اعتقاد پذیرفتن مسؤلیت نرسیده و برعکس بگوئید: نه نه این مسؤلیت من نیست بازی سرنوشت است، اینجا انسان های خبیث و ظالم وجود دارد که سبب نا راحتی و بیچارگی من شده یعنی در حقیقت مسؤلیت را بالای دیگران بیندازید، تا آخر عمر در این حالت کمبودی و مرضی باقی خواهیم ماند. زیرا با این تفکر شما قدرت خلاقیت و تغییر حالت خود را از دست میدید و

^۱ هولیزم Holismus "دیدگاه جنبه معنوی و مادی"

^۲ کوانتن Quanten "زره"

^۳ به مقاله قبلی تحت عنوان "حاکمیت ماتحت شعور و محتوای منفی" مراجعه گردد.

فردی دیگری یا عامل خارج از قدرت خود را سبب حالت موجود خود میدانید، ولو این که همه افراد فوق در زندگی شما تاثیر گذاشته باشند. بطور مثال: اگر پدر، مادر یا رئیس محل کار یا همسر خود را عامل و گناه کار در حالت خود پندارید قدرت بدست آنها بوده و شما قربانی استید و قدرت تغییر حالت را بدست عاملین خارج از خلاقیت خود میدهید. پس تا زمانیکه به این تصور هستیید نمی توانید تغییر در وضع موجود خود بیاورید. مثلاً پدر شما همیشه دستور داده است که اینرا انجام بده و یا آنرا انجام نده، بی عقل استید و به این کار ساخته نشده اید با لت و کوب شما را توهین و تحقیر کرده به شما محبت نداده باشد، همه این بر خورد ها و دستورات سبب نا راحتی شما شده آزادی شما را در پیشرفت و تکامل طبیعی سلب نموده است. شما همه این موارد فوق را به شکل پروگرام های یاد گرفته ثبت نموده و آنچه در پراتیک عملی یاد گرفته اید آنرا به نسل بعدی دوباره میدهید. اگر شما این برخورد های نادرست را به نسل بعدی انتقال دهید، بدون شک پروسه تکامل بشریت راه نابودی را در پیش خواهد گرفت و یکی از دلایل وضعیت ناهنجار امروزی جهان هم تکرار همین تراژیدی است که نسل به نسل انتقال میدهیم.

زیرا نسل پیش از ما خود با این نیروی عادت محیط فامیلی و اجتماعی بزرگ شده و خود قربانی نیروی عادت فامیل و جامعه میباشد که حال به شما انتقال یافته است. این نیروی عادت خود کار و اوتوماتیک بوده فرد معتاد نمی تواند نقش در عدم تبارز آن داشته باشد. مگر اینکه این نیروی عادت خود را توسط شعور آگاه و روش ۲۱ روز عبادت و نیایش تغییر دهید و شعور آگاه خود را سرنوشت ساز ساخته و زندگی را در جهت سالم و پیروزی هدایت نماید. شما تا امروز هم رنج آن برخورد را می کشید. بناءً حالا اگر پدرت زنده است او در این حالت فعلی شما هیچ کاری در جهت تغییر و تکامل انجام داده نمی تواند، زیرا او با نیروی عادت گرفته شده از محیط فامیلی و اجتماعی که در ماتحت شعورش ثبت است و به شکل خود کار عمل می کند، با شما برخورد نموده است. گذشته شما چنان سپری شده که اتفاق افتاد، ولی شما امروز این امکان را دارید که زندگی خود را تغییر دهید. قطع نظر از اینکه ایام طفولیت، جوانی و یا روابط اجتماعی و فامیلی شما دچار چه مشکلات بوده است. این تغییر را می توانید با برداشتن اولین قدم آغاز کنید و آن اینکه بگوید و خود را باورمند سازید که:

"من افکار خود را برای تغییر باز می نمایم و می پذیرم که واقعیت زندگی ام را خودم خلق نموده ام. یعنی افکار، کلمات، اعمال و احساساتم، حالت روانی، جسمی و روحی ام زاده افکار و اعمال خودم می باشد". با این کار می توانید خود را از حالت قربانی بودن به حالت خلاق بودن و یک فرد که افکار و اعمالش به اساس شعور آگاهش رهبری می شود تبدیل سازید.

حالت قربانی بودن در همه جا و همه ما خیلی وسعت فکری، عملی و اجتماعی داشته و یکی از امراض مهم عقلی جامعه ما و جهان را می سازد. اکثراً ما وقت انسان های دیگر را به صورت ناخود آگاه محکوم می نمایم، خود را در حقیقت در وضعیت یک قربانی قرار میدهیم. ولی در قدم اول این ما هستیم که زندگی خود را با افکار و اعمال خود خلق می نمایم. طبعاً با اشتراک مساعی محیط و دیگران، یعنی اینکه ما خلاق استیم و همراه دیگران، مولدین مشترک در رفاقت، در فابریکه در یک فامیل، در یک اتحادیه خلاصه در تمام جاها می باشیم. هر انسان در مراجع فوق بعنوان یک مولد رفته و او برای خود و جمع با دیگران یک حالت جمعی را خلق می نمایند.

اگر در مراجع فوق با افکار خلاق و مولد برای خود و دیگران برویم و با این فکر پر قدرت خود را از تفکر یک قربانی خارج نموده و می توانیم به صورت مستقل خود را در تغییر و تکامل سهیم سازیم بدون اینکه کسی را در سرنوشت و در حالت موجود خود گناهکار تصور نمایم. زیرا با گناهکار تصور کردن دیگران در وضع موجود خود، خود را دست بند اسارت زده خلاقیت و آزادی خود را در تغییر سرنوشت خود از دست میدهیم.

"تفکر و عمل خود را آزاد ساز، دست بند هایت را بشکن و با پذیرش قدرت خلاقیت ات خود را از حالت قربانی به حالت خلاق پرتاب نما".

شما می توانید چیزی را در حرکت بیاندارید، اگر آغاز کرده بگوئید: من آماده هستم که مسؤولیت بگیرم برای آنچه که تا به حال اکثراً به صورت غیر شعوری خلق نموده ام. من نمی دانستم که چه می کنم.

برای قدم گذاشتن در این پروسه فوق و تغییر حالت منفی به حالت مثبت بایست اصول حاکم بر هستی تمام پدیده های مرعی و نا مرعی، مادی و معنوی "مایکرو کوزموتیک و مکرو کوزموتیک" را دریابیم و تطبیق عملی این پنج اصل که عبارت اند از: اتحاد، اختلاف، انتظام، ارتباط و اعتدال است در زندگی روزمره خود آنرا به عنوان چارچوب زندگی مورد پیروی قرار دهیم. زیرا تمام پدیده ها، اجتماعات، جهان نباتات و کائنات روی این پنج اصل فوق ادامه حیات می نمایند. مثلاً اگر جهان نباتات را با جهان حیوانات ببینید هر دو برای ادامه حیات یکدیگر کار می نمایند. نباتات برای ادامه حیات حیوانات (اکسیجن) O₂ به صورت عام تولید می کند و جهان حیوانات کاربن

دیاکساید "CO₂" در تعاملات حیاتی خود به فضا می دهد که نباتات از کاربُن دای اوکساید "CO₂" در موجودیت شعاع آفتاب یعنی تعامل فوتو سنتیز "Photosynthese" غذائی خود را ساخته ادامه حیات می کند، پس لازم و ملزوم همدیگر اند. هر دو در اتحاد هستند، هر دو اختلاف دارند هر دو جهان در انتظام اند و در ارتباط با همدیگر بوده و بالاخره در تعادل به همدیگر به سر می برند. این پنج اصل فقط زمانی می تواند حیات را تضمین کند که هر پنج آن مورد توجه بوده و عملی شود. ناگفته نباید گذاشت که این پنج اصل فقط با توجه به کلیت واحدش می تواند درست عمل کند و نقض یکی از آنها سبب نا بودی کلیت واحد می گردد. اگر ما افغان ها در روابط روز مره خود روی این پنج اصل زندگی خود را در تمام شئون تهداب گذاری کنیم، امید می رود که به جامعه مصدر خدمت شده، خود و جامعه را در یک تشریک مساعی علمی، عملی، ملی، بیولوژیک و اجتماعی از این پرتگاه نابودی به سوی آزادی و صلح سوق دهیم.

روش و شیوه ای که ما می توانیم تصورات ماتحت شعوری خود را که بار منفی داشته باشد توسط شعور آگاه به مثبت تبدیل نمایم، بنام عبادت یا نیایش ۲۱ روزه نامیده می شود. که این شیوه را پس از ختم تشریح قدم پنجم خدمت شما ارائه خواهیم نمود.
پس فرصت آن است که به گفته حضرت بیدل :

زندگی در قید و بند رسم عادت مردن است - دست دست توست بشکن این طلسم ننگ را

دست به دست هم داده این طلسم ننگ را بشکنیم و با حاکمیت شعور آگاه همگانی و ایجاد یک جنبش اجتماعی آگاه راه را برای رهائی جامعه خود باز نمایم.

برای معلومات بیشتر و طرح سؤالات به ایمیل ذیل تماس بگیرید: Ansari_Ghulam@hotmail.com

پایان "قدم اول"
ادامه دارد

منابع:

۱. Dr. Lipton. Bruce ۲۰۱۲, Intelligente Zellen, KOHA – Verlag GmbH Burgrain.
۲. Prof. Dr. Baure ۲۰۰۶, Joachim, Prinzip Menschlichkeit, Hoffmann und Campe, Germany.
۳. Bowen. Will ۲۰۰۷, Eimwand Frei "A Complaint Free World", arkana, Köln, Germany.
۴. Betz. Robert, Fünf Schritte der Verwandlung,
http://www.youtube.com/results?search_query=robert+betz+%schritte+der+verwandlung&oq=robert+betz+%schri&gs_l=youtube.۳.۰.۰۱۲.۳۳۲.۱۴۰۰.۰.۴۶۴۶.۲.۱.۰.۱.۱.۰.۲۹۲.۲۹۲.۲-۱.۱.۰...۰.۰...۱ac.۱.۱۱.youtube.HJPFyC9aqil, ۲۰۱۲, last viewed ۱۱.Feb.۲۰۱۳.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ